



اتاق فکر هست اما برای جنجال آفرینی نه تدبیر اقتصادی!

در حالی که انتقادات و سوالات فراوانی در افکار عمومی در زمینه‌های گوناگونی چون مدیریت دولت در عرصه اقتصادی، رکود بی‌سابقه و نیز عهدشکنی آمریکا و نقض برجام از دولت تدبیر و امید مطرح است و بیشترین ساعات رسانه ملی در اختیار دولتمردان است روز گذشته زنجیره‌ای‌ها تیتراژ یک خود را همگام با بی‌بی‌سی به پخش نشدن گفت‌وگوی وزیر خارجه با برنامه ورزشی نود اختصاص دادند بی‌آن که بگویند پاسخ دولت به این بی‌تدبیری‌ها چیست؟!

آسمان و ریسمان برای فرار از پاسخگویی

اتاق فکر هست اما برای جنجال آفرینی نه تدبیر اقتصادی!

در حالی که انتقادات و سوالات فراوانی در افکار عمومی در زمینه‌های گوناگونی چون مدیریت دولت در عرصه اقتصادی، رکود بی‌سابقه و نیز عهدشکنی آمریکا و نقض برجام از دولت تدبیر و امید مطرح است و بیشترین ساعات رسانه ملی در اختیار دولتمردان است روز گذشته زنجیره‌ای‌ها تیتراژ یک خود را همگام با بی‌بی‌سی به پخش نشدن گفت‌وگوی وزیر خارجه با برنامه ورزشی نود اختصاص دادند بی‌آن که بگویند پاسخ دولت به این بی‌تدبیری‌ها چیست؟!

حضور ظریف در برنامه ورزشی اولین سوالی که در افکار عمومی مطرح می‌کند آن است که چرا وی در یک برنامه تخصصی با موضوعات مرتبط با سیاست خارجی دولت یازدهم حضور نیافته و به سوالات کارشناسان پاسخ نمی‌دهد و به جای آن در یک برنامه ورزشی و آن هم با موضوع فوتبال حاضر به گفت‌وگو با یک مجری هم سو می‌شود؟

این سوال و سوالات مشابه دیگر در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، محیط زیست و ... نشان از آن دارد که اتاق فکری در پس پرده اوضاع را مدیریت می‌کند با این تفاوت که این اتاق فکر مسئولیتی برای حل مشکلات معیشتی مردم نداشته و وظیفه‌ای برای خود در این حوزه‌ها نمی‌بیند بلکه رسالتش را در بحران آفرینی و ایجاد جنجال تعریف کرده است .

حضور ظریف در برنامه ورزشی

چنان چه گفته شد ظریف وزیر خارجه به جای پاسخگویی به سوالاتی در زمینه نقض برجام از سوی آمریکا و دل خوش کردن دولت یازدهم به نامه تشریفاتی جان‌کری که آن هم از سوی کنگره این کشور مورد اعتراض قرار گرفته و تشریفاتی بودنش نیز زیر سؤال رفته در یک برنامه ورزشی حضور می‌یابد تا به سوالاتی پاسخ دهد که کوچکترین ارتباطی به حوزه فعالیت او نداشته و مجری نیز هیچ گونه هماهنگی برای تولید و پخش آن مصاحبه با مسئولین صدا و سیما انجام نداده بود.

پخش نشدن این برنامه که عقلانی و طبیعی است پیش از همه واکنش بی‌بی‌سی ارگان رسانه‌ای روباه پیر را در پی داشت واکنشی که بلافاصله و به صورت همزمان دیروز به صفحات اول نشریات زنجیره‌ای راه یافت و بدون استثنا همه این نشریات با پنهان شدن در پشت این ماجرا مشکلات متعددی که دولت متصدی حل آنها است و بر زمین مانده است را به فراموشی سپرده و سانسور کردند.

طبیعی است که هر ارگان و نهادی قوانینی دارد و یک مجری و یا کارمند نمی‌تواند سرخود قوانین را زیر پا بگذارد و خود قانون‌گذار و مجری و همه‌کاره شود ولی در این گزارش سؤال اساسی آنی است که گفته شد و آن این که چرا با وجود اختصاص یافتن بهترین ساعات رسانه ملی به مسئولین دولت یازدهم آنان هیچ انگیزه‌ای برای حضور در صدا و سیما و پاسخگویی به سوالات مردم را ندارند و به جای آن خواستار اختصاص برنامه‌هایی با موضوعاتی تفریحی ورزشی برای خود هستند؟!

ادعای جناب سخنگو: صدا و سیما اپوزیسیون دولت!

از سوی دیگر در حالی که چندی پیش صدا و سیما به صورت رسمی اعلام کرد که سهم دولت و طرفداران آن در حمایت از برجام در رسانه ملی دو برابر منتقدین بوده است سخنگوی دولت مدعی شد که رسانه ملی به اپوزیسیون دولت بدل شده است!

سخنگوی دولت در پاسخ به پرسشی درباره رویکرد صدا و سیما نسبت به دولت با بیان این که «ما به برخی از برنامه‌های رسانه ملی انتقاد داریم زیرا رسانه ملی نقش اپوزیسیون دولت را ایفا می‌کند» افزود: صداوسیما یک مجموعه است که برنامه‌های مختلفی دارد و افراد مختلفی هم در آن حضور دارند. البته به راحتی می‌شود متوجه شد که چه دیدگاهی در رسانه ملی غلبه دارد. اکنون اخبار منفی زیادی از تلویزیون و رادیو پخش می‌شود و افراد را بدبین می‌کند.

این ادعا به سادگی با نگاهی گذرا به برنامه‌های صدا و سیما نقض می‌شود چرا که مردم هر ساعتی از روز به هر کانالی مراجعه می‌کنند در حال شنیدن سخنان یک طرفه مسئولین دولتی و نه پاسخگویی آنان به سوالات کارشناسان هستند .

گفتنی است تنها در موضوع برجام بر اساس آمار مستند حدود ۳ هزار و ۸۰۰ دقیقه زمان به تیم مذاکره‌کننده و موافقان برجام و حدود ۲ هزار دقیقه زمان به منتقدان برجام اختصاص داده شده بود که این نشان از حضور مستمر حامیان دولت در رسانه ملی بوده است.

در این زمینه می‌توان از صدا و سیما انتظار داشت و خواست که آماری از ساعات حضور دولتی‌ها در رسانه ملی در ماه گذشته و تنها به عنوان نمونه ارائه کنند که بی‌پایه بودن ادعای سخنگو کاملاً مشخص شود.

سخنگوی بی‌اطلاع!

البته این تنها حوزه سیاست خارجی نیست که سؤالات زیادی را متوجه وزیر مربوطه ساخته است؛ رکود گسترده اقتصادی که اعتراضات فعالان و کارشناسان اقتصادی را به دنبال داشته است و نیز نامه وزرای دولت به رئیس‌جمهور را می‌توان در این راستا مورد ارزیابی قرار داد.

هفته گذشته وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: بدهی دولت با احتساب بدهی شرکت نفت ۵۴۰ هزار میلیارد تومان است. ظاهراً اعلام بدهی دولت با گذشت نزدیک به دو سال از آغاز به کار آن به مذاق دولتمردان یازده و بخصوص سخنگوی دولت خوش نیامده و از این رو همانند نامه وزیران به رئیس‌جمهور نوبخت در گفت‌وگو با خبرنگاران ضمن رد اصل ماجرا گفت: برای اولین بار است که این رقم بدهی را می‌شنوم و فکر نمی‌کنم بدهی دولت اینقدر باشد.

این که سخنگوی دولت بر عکس وزیر اقتصاد از میزان بدهی‌های دولت اطلاعی ندارد و یا آن را کتمان می‌کند موجد این سوال است که چرا با فرض پذیرش اظهارات وزیر مربوطه اتفاق فکر دولت به جای آن که زمان خود را به ایجاد بحران و جنجال در کشور اختصاص دهد فکری برای حل مشکلات اقتصادی کشور نمی‌کند.

فراکنی به جای پاسخگویی

از سوی دیگر وزیر نفت روز سه شنبه با حضور در جلسه اتاق بازرگانی طی سخنانی بدون هیچ گونه اشاره‌ای به وعده‌ها و تخلف‌های خود دست به افشاگری علیه نهادهای دیگر از جمله بنیاد شهید و وزارت دفاع زد.

زنگنه با فراکنی سوء تدبیر در وزارت نفت و با حمله به بنیاد شهید گفت «در واگذاری سهام بابت رد دیون دولت خصوصی‌سازی شکل نمی‌گیرد و البته من مخالف پرداخت بدهی دولت به سازمان‌هایی همچون تأمین اجتماعی و بنیاد شهید نیستم؛ بلکه انتقاد من بر این است که چرا باید سهام در اختیار این مجموعه‌ها قرار گیرد که سیستم اقتصادی کشور را هم به هم بریزند؟»

زنگنه در ادامه با بیان این که وزارت نفت هیچ چیزی در اختیار ندارد بدون پاسخ به این سؤال که چرا با علم به این که در وزارت نفت کارهای نخواهد بود و با فرض صحت این ادعا بود و نبود ایشان در وزارتخانه عظیم نفت یکی است دو سال پیش این مسئولیت را پذیرفته است اظهار داشت: هم‌اکنون صنعت نفت چیزی جز چاه‌های نفت و امور بالادستی در اختیار ندارد. اکنون این وزارتخانه، پالایشگاه آبادان را در اختیار دارد که هر کسی آن را بخواهد به او مفتی هم می‌دهیم؛ ضمن این که پالایشگاه اراک نیز چنین وضعیتی دارد و جز ضرر و زیان برای وزارت نفت بهره‌ای ندارد و البته دولت قانون تکلیف کرده که ۲۰ درصد در اختیار دولت باقی بماند.

افشاگری‌های زنگنه آن هم با گذشت بیش از دو سال از آغاز به کار دولت یازدهم در حالی است که وی ظاهراً تمایلی به پاسخگویی در مورد مسائلی چون کرسنت و استات اوایل ندارد.

گفتنی است برخی پرونده‌های مهم فساد و دلالتی نفتی از جمله کرسنت و استات اوایل در دوره وزارت زنگنه در دولت اصلاحات رخ داده که از جمله یک قلم خسارت کرسنت بنابر اعلام علی جنتی وزیر ارشاد برابر ۱۴/۵ میلیارد دلار برای کشور بوده است. در پرونده کرسنت برخی مسئولان ارشد وزارت نفت در دولت اصلاحات نقش داشتند.

بنابر این به نظر می‌رسد ضرورت دارد زنگنه وزیر نفت بدون فرا فکری به اتهامات موجود در این زمینه پاسخ گوید. فکر نمی‌کردیم!

ماجرای بی‌تدبیری‌ها البته به موارد پیش گفته محدود نمی‌شود؛ در حالی که اولیه‌ترین اصل مدیریت پیش‌بینی آینده و برنامه‌ریزی بر اساس احتمالات است دولتمردان یازدهم که وعده‌های صد روزه برای پایان مشکلات اقتصادی می‌دادند امروز با گذشت بیش از دو سال با استناد به کاهش قیمت نفت تداوم مشکلات را توجیه می‌کنند!

به عنوان نمونه جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور در حالی که قیمت نفت به حدود ۳۰ دلار رسیده است می‌گوید «تصور می‌کردیم درآمد نفت کاهش یابد اما فکر نمی‌کردیم قیمت نفت از ۶۰ دلار پایین‌تر بیاید.»

جهانگیری همچنین گفت: «اقتصادی که براساس نفت ۱۰۰ دلاری تنظیم می‌شد با کاهش نرخ آن به ۳۰ دلار می‌تواند دولت را در هزینه‌های جاری دچار کمبود و مشکل کند»

دولت تدبیر و امید در نزدیکی انتخابات با مشکلات متعددی روبرو است که مهم‌ترین آن وعده‌های عملی نشده و مشکلات معیشتی مردم است در این راستا سؤالات متعددی در ذهن مردم وجود دارد که دولتمردان به جای پاسخگویی به آنها تلاش دارند در برنامه‌هایی با موضوعات ورزشی و ... حضور یافته برای فرار از پاسخگویی آسمان و ریسمان به هم ببافند.